

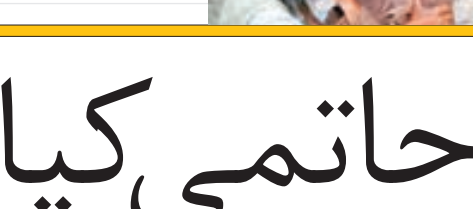


در روایت قرمز «داوود (پرویز پرستویی) ۲۱ سال از پایان جنگ، در بیابان در حال خنثی کردن مین و صمیمی‌ترین دوست‌ریک لاک پشت است. برخلاف داوود، جمعه (رضا کیانیان) به موازات جامعه حرکت می‌کند اما باورود مجبویه (آرژنا حاجیان) به این بیابان، آرامش این دوهیم هم می‌خورد و سکانس مقابله داوود با جمعه برای جلب توجه مجبویه یکی از سکانس‌ای خاطره‌انگیز و ناب فیلم است.



روبان قرمز؛

بر هوت شهیدایی



## بوی پیراهن یوسف

۱۳۷۴

احسان میر حسینی : وقتی صحبت از انتخاب صحنه‌ای منتخب از «بوی پیراهن یوسف» باشد، نخستین چیزی که به ذهن می‌آید داستان لرزان دایی غفور (علی نصیریان) است و حرکت تاولتو خوران اسلوموشن به سمت یوسف گمشسته در سکانس پایانی بازگشت اسرا. جایی که در آن احساسات گرایی مختص حاتمی کیا به اوج خود می‌رسد و به سیاق صحنه‌های پایانی ملودرام پس‌جنگ پیشین کارگردان (از کرخه تاراین)، بی‌برگرد احساسات تماشاگرش را به غلیبان در می‌آورد. اما از این سکانس معروف که بگذریم، به دیگر صحنه تأثیرگذار فیلم می‌رسیم. جایی که راه‌بر گشته‌اش داشته و همه غم‌دوریش از خانه این جاسریریز کرده. «از کرخه تاراین» و به‌ویژه این سکانس نشانی است از جایگاه آن رزمنده‌ها یا دیگران ورورزگار پس از جنگ ابراهیم حاتمی کیا و حکایت «شکایت نی از جدایی‌ها» و این که این جماعت و دیگری هم دارند و قرار به رستگاری همه هم نیست.

بیانا) به تماشای فیلم‌های ویدئویی باقی مانده از یوسف می‌نشینند. موسیقی جانسوز همیشه حاضر مجید انتظامی روی تصویر قرار می‌گیرد و تصاویر ویدئویی از رزمندگان غواص در حین آماده‌سازی برای عملیات، با چند نما از شیرین و نزدیک شدن تدریجی به او که محو تماشای تصاویر شده میان کات می‌شود. تصاویری به ظاهر ساده، اما حامل احساسی ژرف و به شدت تأثیرگذار در انتقال حس غریب رزمندگان پیش از عملیاتی در دل دشمن. بایک شاه‌پلان؛ پلانی که رزمندگان غواص دست در دست هم و رو به عقب به دل دریا می‌زنند. دیدن تصاویری از عزیزغایب و انتقال حس فقدان آن که درونمایه اصلی فیلم را شکل می‌دهد و مواد لازم را برای ملودرام فیلم‌ساز مهیا می‌کند. خود جنگ و مواجهه با ماندگان با آن برای حاتمی کیای احساسی، بیش از آنکه ترازیک باشد ملودراماتیک است.

صحنه پایانی «بادیگارد» نه تنها یکی از بهترین سکانس‌های فیلم‌های حاتمی کیا که تا تأثیرگذارترین پایان‌بندی‌ها و ترازیک‌ترین مرگ قهرمانان جهان فیلم‌ساز است. حاتمی کیا با تانک‌های به جامانند استفاده از اسلوموشن و حاشیه‌های صوتی بار ملودراماتیک این سکانس را تقویت می‌کند. مرگ حاج‌حیدر ذبیحی (پرویز پرستویی) عاشقانه‌ترین و غمناک‌ترین شهادت‌تیر است که حاتمی کیاتابه امروز برای قهرمانش تصویر کرده‌است. در جبهه حق و برای جوانی که آتقدرد هم‌شبیبه به او فکر نمی‌کند جلوی گلوله می‌ایستد، همه تردیدهایش را می‌کشد و رستگاری می‌شود. حالا می‌تواند راحت بخوابد. اما سکانس برتر از آن راضیه است. استفاده خلاقانه حاتمی کیا از چادری که راضیه بر جنازه حاج‌حیدرش می‌کشد، هم‌ریف صحنه تعمیرگاه‌در «گروهان» کیمیایی، یکی از بهترین‌دو نفره‌های تاشوینی تاریخ سینمای ایران را می‌سازد.

چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۵
۹ رضان ۱۴۳۷
شماره ۱۹۲۸

